



دیدگاه ابن عربی درباره مشاهدات پیامبر(ص) در رویا و بیداری

به اعتقاد عرفانی ابن عربی، وحی هنگامی روی می‌دهد که وجود مادی پیامبر با وجود کلی و سعی خود اتصال یافته و حقایق را از آنجا به عالم مادی تنزل دهد. به اعتقاد ابن عربی مشاهدات پیامبر(ص) در رویا و بیداری یکسان است.

به اعتقاد عرفانی ابن عربی، وحی هنگامی روی می‌دهد که وجود مادی پیامبر با وجود کلی و سعی خود اتصال یافته و حقایق را از آنجا به عالم مادی تنزل دهد. به اعتقاد ابن عربی مشاهدات پیامبر(ص) در رویا و بیداری یکسان است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در طول تاریخ تفکر اسلامی، وحی به عنوان دریافت پیام از خدا مطرح بوده است، یعنی پیامبر(ص) وسیله‌ای بوده، جهت دریافت آموزه‌ها و دستورهای الهی برای ابلاغ به مردم. در این ارتباط، پیامبر(ص) پیام الهی را با همان مضمون و کلامی که از خداوند دریافت داشته، به دیگران ابلاغ می‌کرده است.

دیدگاه متفکران اسلامی درباره وحی با افرادی نظیر دکتر سروش که روایاتی مدرن از وحی ارائه کرده‌اند، تفاوت‌هایی دارد. در این سلسله مباحث براساس کتاب «انکار قرآن» عبدالله نصری، تلاش داریم برخی از دیدگاه متفکران اسلامی در این زمینه را منتشر کنیم:

دیدگاه ابن عربی در باب نبوت و وحی، مبتنی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اوست. او مراتب هستی را به پنج عالم تقسیم می‌کند: غیب ملکوت یا غیب حقیقی، عالم ارواح مجرد یا عالم جبروت، عالم مثال یا عالم ملکوت، عالم ملک یا شهادت و عالم انسان کامل.

هستی‌شناسی ابن عربی مبتنی بر تجلی حق تعالی است. تجلی حق تعالی هم بر دو گونه است یکی تجلی علمی غیبی یا تجلی ذاتی حبی که به آن فیض اقدس گفته می‌شود. این تجلی عبارت است از ظهور حق در صور اعیان ثابته در علم الهی. تجلی دوم، تجلی شهودی وجودی است که از آن به فیض مقدس تعبیر می‌شود. با این تجلی است که عالم خارج وجود پیدا می‌کند.

*حقیقت محمدی

به این دلیل که خداوند خواست همه صفات و کمالات خود را در حقیقتی خارج از ذات خود مشاهده کند، حقیقت محمدیه را ایجاد کرد. این حقیقت ابتدا در عالم الهی و به وجود تفضیلی در اعیان ثابته ایجاد شد و سپس در عالم خارج تحقق یافت، یعنی صادر اول یا نور محمدیه به وجود آمد.

حقیقت محمدیه مظهر جمیع اسماء و صفات حق تعالی است. ابن عربی با توجه به حقیقت محمدیه می‌گوید که همه انبیاء نور نبوت خود را از او اخذ می‌کنند. پیامبر اسلام(ص) انسان کامل است یعنی جامع همه مراتب و کمالات وجودی است، او آیینه تمام نمای اسماء و صفات الهی و مظهر اسم اعظم و خلیفه کامل خداوندی است.

خدا به واسطه انسان کامل در عالم اعیان تجلی پیدا کرد. پیامبر صورت اجمالی و جمعی حضرت حق است و دارای مقام جمع الجمعی است. شناخت خدا نیز از طریق شناخت انسان کامل مثل او یا سایر پیامبران امکان پذیر است.

به گفته مولوی:

چون خدا خود می‌نیاید در عیان/ نایب حق‌اند این پیغمبران

نی غلط گفتم، که نایب یا منوب/ گر دو پنداری غلط آید نه خوب

نی دو باشد، تا تویی صورت پرست/ پیش او یک گشت، کز صورت برست

هر چند وجود دنیوی و مادی خاتم الانبیاء متأخر از سایر انبیاست، اما وجود علمی و حقیقی وی پیش از سایر انبیاء موجود بوده است. در واقع او در عالم اعیان ثابته به پیامبری برگزیده شد و در همان مقام بر اعیان ثابته همه انبیاء آگاه بود. سایر انبیاء نیز در همان مرتبه اعیان ثابته به شرافت ذاتی و ختمیت رسالت وی ایمان داشتند. از همینجاست که ابن عربی می‌گوید همه انبیاء نور وجودی خود را از حقیقت محمدی اخذ می‌کنند.

*ضرورت نبوت

ابن عربی بر پایه تحلیل خود از نظام هستی و اسماء و صفات حق تعالی، دو برهان بر لزوم نبوت ارائه می‌دهد: 1. در عرفان ابن عربی بحثی با عنوان تخاصم اسماء مطرح است به این بیان که اسماء حق تعالی نوعی تقابل با یکدیگر دارند که موجب پیدایش نظام احسن می‌شود.

2. هر یک از اسماء حق تعالی مظهري را می‌طلبند و اگر اسمی بدون مظهر باشد، آن اسم عبث خواهد بود.

از نظر ابن عربی، مقام انبیاء آن چنان بالا است که سخن گفتن از آن غیر ممکن است. کسی را یارای سخن گفتن است که دارای ذوق نبوت تشریع و رسالت باشد، از آن جا که ما انسان‌ها نه نبی هستیم و نه رسول، لذا سخن گفتن از حقیقت آن بر ما حرام است.

*تعریف وحی

ابن عربی وحی را نزول معانی مجرد عقلی در قالب‌های حسی که در مرتبه خیال مقید است، در خواب یا در بیداری می‌داند.

او با توجه به آیه 51 سوره شورا نحوه خطاب الهی را سه نوع ذکر می‌کند: نخست وحی یا انزال بی واسطه کلام الهی، دوم انزال کلام الهی از ورای حجاب و سوم انزال کلام الهی به واسطه فرشته.

ابن عربی وحی را حقیقتی می‌داند که خداوند بدون واسطه بر دل‌های بندگان خود نازل می‌کند. با وحی مطالبی بر دل‌های آن‌ها خور می‌کند که از نحوه پذیرش آن با خبر نیستند، یعنی نمی‌دانند چگونه، از کجا و به چه علت در دل‌های آن‌ها راه یافته است.

به اعتقاد ابن عربی، وحی با رؤیا آغاز می‌شود چرا که حقیقت وحی امری مجرد است و برای آن که به مرتبه حس برسد، باید واسطه‌ای باشد. معانی معقول به خیال نزدیک‌ترند تا به حس، زیرا خیال در مرتبه‌ای میان معقول و محسوس قرار دارد. از نظر او، وحی عبارت است از معنا و معنا وقتی بخواهد به عالم حس فرود آید، باید از مرتبه خیال گذر کند.

وحی در عالم خواب در ارتباط با قوه خیال است. از این رو پیامبر در عالم خواب و به کمک خیال، بهتر با وحی آشنا می‌شود. ابن عربی شناخت وحی را به روش عرفانی ادراک پذیر نمی‌داند زیرا در روش عرفانی باید هر پدیده‌ای را بدون تصور و تصدیق با علم حصولی ادراک کند.

ادراک وحی به صورت علم حضوری برای غیر انبیا امکان پذیر نیست. به گفته ابن عربی شرط اهل طریقت این است که از احوال و مقاماتی گزارش دهند که آنها را ذوق کرده‌اند لذا سخن گفتن درباره آن بر ما حرام است. ما اهل طریقت جز درباره آنچه ذوق کرده‌ایم، هرگز سخن نخواهیم گفت. ما فقط در مواردی غیر از نبوت و رسالت مجازیم سخن بگوییم.

*نزول وحی

عرفا در باب وحی، دیدگاه خاص خود را دارند. این دیدگاه مبتنی بر نظریه حقیقت محمدیه است به این بیان که وجود سعی و منبسط رسول اکرم(ص) در مقام صادر اول، در مواجهه با مقام واحدیت، همه کمالات علمی از جمله حقیقت قرآن را دریافت می‌کند.

در واقع در مرتبه وجود کلی و سعی و مجرد پیامبر، وجود عقلی و مجرد قرآن بر پیامبر نازل می‌شود. آیاتی هم که از وجود قرآن در ام‌الکتاب و لوح محفوظ سخن می‌گویند مربوط به این مقام است.

حقیقت عقلی قرآن به هنگام پیدایش حقیقت محمدیه برای پیامبر منکشف می‌شود اما وجود لفظی آن به تدریج و به هنگام بعثت پیامبر به عنوان آخرین فرستاده الهی طی بیست و سه سال عمر وی نازل می‌شود.

در عرفان ابن عربی نزول تدریجی قرآن به این صورت است که در طول رسالت نفس پیامبر با حقیقت محمدیه اتصال پیدا کرده و آیات الهی را از قرآن دریافت می‌کند. در واقع حقیقت مجرد قرآن در عالم طبیعت به کلام و لفظ تنزل می‌یابد. پیامبر با تکامل

در نشئه طبیعت نفس خود را آماده اتصال با عین ثابت و وجود منبسط خودش می‌کند تا حقایق را از آن عالم دریافت کند.

به بیان دیگر، وحی هنگامی روی می‌دهد که وجود مادی پیامبر با وجود کلی و سعی خود اتصال یافته و حقایق را از آنجا به عالم مادی تنزل دهد. از آنجا که در دار وجود، جز ظهور حق تعالی و اسماء و صفات وحی چیزی موجود نیست، لذا هیچ موجودی دارای استقلال وجودی نیست.

در اتصال نفس نبی با حقیقت محمدیه گاه جبرئیل واسطه می‌شد. به گفته ابن عربی «انبیاء التشریع یاخذون بواسطه الروح الامین من عین الملک». از نظر ابن عربی وحی در عالم مثال و حضرت خیال توسط فرشته وحی نازل می‌شود.

وحی به صورت مثال ابتدا در عالم رویا و سپس به صورت مشاهده فرشته در عالم مثال حاصل می‌شود. البته ابن عربی مشاهدات پیامبر در رویا و بیداری را یکسان می‌داند و اختلاف آنها را فقط از این جهت می‌داند که یکی در عالم حس واقع می‌شود و دیگری در عالم خیال.

به زعم ابن عربی نزول قرآن بر قلب پیامبر به صورت زبانی است یعنی پیامبر قرآن را با همین حروف و کلمات عربی دریافت می‌کند.

به هنگام نزول وحی توسط جبرئیل پیامبر از عالم حس و طبع غایب شده و با عالم مثال اتصال پیدا می‌کند و وقتی که وحی به پایان می‌رسد به عالم حس باز می‌گردد. هرگاه جبرئیل نازل می‌شد پیامبر وحی را از او در عالم مثال دریافت می‌کرد و اگر هم جبرئیل را به صورت دحیه کلبی مشاهده می‌کرد آن مشاهده ابتدا مربوط به عالم مثال و حضرت خیال بود، سپس فرشته تمثیل ملکی پیدا می‌کرد.

خلاصه اینکه وحی همان معارفی است که در حقیقت محمدیه به صورت بسیط و مجرد موجود است و پیامبر در نشئه دنیا با اتصال با عین ثابت خود یا حقیقت محمدی، آن را دریافت و به مردم ابلاغ می‌کند. فرشته وحی هم گاه واسطه اتصال نفس پیامبر با حقیقت محمدی است.